

## Recognition of Religious Education in Social Aspect Based on the Instructions of Nahj ol-Balāghah<sup>1</sup>

Seyyed Mohammad Reza Rashidi Al Hashim<sup>1</sup>, Seyyed Mohammad Reza Hoseini<sup>2</sup>

<sup>1</sup>Assistant Professor, Imam Hossein University of Officer Training and Guard Training,  
Tehran, Iran. dsr.rashidi@gmail.com

<sup>2</sup>Master's degree, military management, Imam Hossein University, Tehran, Iran.  
safireyaar@yahoo.com

### Abstract

The purpose of the present study is to recognize religious education in social aspects from the view of Imam 'Ali in Nahj ol-Balāghah. The method of study is analysis of quantitative content and in this regard, the anecdotes, letters, and sermons about education in Nahj ol-Balāghah were selected and then, types of education therein were analyzed in terms of quantitative content. Finally, the model of education from within these concepts and interpretations was extracted. Findings of the study show that Amir al-Mo'menin (AS) has paid attention to education in moral, social, life style,... aspects. Education in his view, entails some dos that encourage some behaviors as well as some don'ts that discourage some other behaviors. The categories of the research showed some criteria such as pragmatism, patience, tolerance, learning from the past behaviors, perseverance and so on.

**Keywords:** Education, Social Education, Religious Education, Nahj ol-Balāghah.

---

1. **Received:** 2021/12/22 ; **Revision:** 2022/01/17 ; **Accepted:** 2022/03/03

© the authors

**Publisher:** Teacher-Propagator Training Center of Seminaries



<http://tarbiatmotali.ismc.ir/>

## شناسایی تربیت دینی در بعد اجتماعی بر اساس آموزه‌های نهج‌البلاغه<sup>۱</sup>

سید محمدرضا رشیدی آل هاشم<sup>۱</sup>، سید محمدرضا حسینی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup>استادیار، دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین(ع)، تهران، ایران. dsr.rashidi@gmail.com  
<sup>۲</sup>کارشناسی ارشد، مدیریت نظامی، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران. safireyaar@yahoo.com

### چکیده

هدف پژوهش حاضر شناسایی تربیت دینی در بُعد اجتماعی از منظر امام علی(ع) در نهج‌البلاغه است. روش پژوهش، تحلیل محتوی کمی بوده، و در این راستا، حکمت‌ها، نامه‌ها و خطبه‌هایی از نهج‌البلاغه در زمینه تربیت انتخاب شدند و گونه‌های تربیت در آن‌ها تحلیل محتوی کمی شد. سرانجام، مدل تربیت از درون این مفاهیم و تفاسیر استخراج گردید. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد امیرالمومنین(ع) تربیت را در جنبه‌های اخلاقی، اجتماعی، سبک زندگی و... مورد توجه قرار داده‌اند. تربیت در دیدگاه ایشان، باید‌ها یا رفتارهای ایجابی و نباید‌ها یا رفتارهای سلبی را به دنبال دارد. مقوله‌های تحقیق شاخص‌هایی چون عمل‌گرایی، صبر و بردباری، عبرت از رفتارهای گذشته و استقامت و... را نشان داد.

**کلیدواژه‌ها:** تربیت، تربیت اجتماعی، تربیت دینی، نهج‌البلاغه.

## ۱. مقدمه

تعلیم و تربیت در اسلام با نزول نخستین آیه‌های وحی بر وجود نازنین پیامبر اکرم (ص) آغاز شد: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ (۱) خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ (۲) اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ (۳) الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ (۴) عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ (۵)»، «به نام خداوند رحمت‌گر مهربان. بخوان به نام پروردگارت که آفرید (۱) انسان را از علق آفرید (۲) بخوان و پروردگار تو کریم‌ترین [کریمان] است (۳) همان کس که به وسیله قلم آموخت (۴) آنچه را که انسان نمی‌دانست [بتدریج به او] آموخت (۵)» (علق، ۱-۵). در این آیه‌های نخستین، بر دو عنصر بنیادین تعلیم و تربیت، یعنی کسب علم و دانش از یک‌سو و تعالی روح و کمال انسانی از سوی دیگر پافشاری می‌شود. تربیت که به طور خلاصه عبارت است از پرورش و رشد دادن استعدادهایی که آفریدگار جهان برای سعادت و کمال انسان در وجود او به امانت گذاشته، از روز نخست در سرشت انسان است تا این انسان از دنیای طبیعت سیر بکند و به آنجایی برسد که گمان و درک ما نمی‌تواند برسد و همه این‌ها نیازمند تربیت است. همان‌گونه که تربیت‌های مناسب با طبیعت وجود دارد، تربیت‌های شایسته‌تر با مرتبه‌های دیگرش هم هست که بعضی از آن‌ها را بشر می‌تواند بداند، ولی بیشتر آن‌ها را بشر نمی‌تواند بداند. اطلاع را خدای تبارک و تعالی دارد و برانگیخته شدن انبیاء برای این است که آن مرتبه‌ای از انسانیت را که خود بشر نمی‌داند و کیفیت تربیت برای رسیدن به آن را هم درک نمی‌کند، از آن‌ها آگاه شود؛ تا دانایی به خود درد و دوا نباشد، نمی‌شود معالجه کرد. پیامبران آمدند تا انسان را به آن مرتبه‌ای که کسان دیگر و دانشمندان طبیعت، نمی‌توانند به آن اطلاع پیدا کنند و انسان را تربیت کنند، مرتبه‌ها، آن‌ها را ارتقاء دهند... چون انسان توانایی این را دارد که تربیت بشود و آن مرتبه مافوق طبیعت را هم پیدا بکند و کسی نیست که این شیوه تربیت را از انسان بگیرد، خدای تبارک و تعالی پیامبران را مأمور فرموده است که اینها بیایند و انسان را تربیت کنند تا به آن مرتبه مافوق طبیعت برسد و هر چیزی که در آن توانایی هست، فعلیت پیدا بکند و تربیت، یک تربیت الهی بشود (امام خمینی، ۱۳۹۹، ج ۴، ص ۱۷۶-۱۷۵).

در میان آفریده‌های خداوند بلندمرتبه، انسان تنها آفریده‌ای است که نیروی اندیشه و اختیار دارد و برای برخورداری از این نیروها، وظایف و دستوراتی به او داده شده است که می‌بایست با تلاش و کار کردن، به سر منزل مقصود کمال مطلوب که قرب الی‌الله است، برسد. همان‌گونه که خداوند بلندمرتبه می‌فرماید: «بَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ»، «ای انسان! تو با تلاش و رنج بسوی پروردگارت می‌روی و او را ملاقات خواهی کرد!» (انشقاق، ۶)، برای رسیدن به این هدف می‌بایست در

مسیر تربیت درست قرار گرفته باشد تا دچار گمراهی نگردد. تربیت درست، تربیتی است که به شیوه‌ای با سرچشمه وحی ارتباط داشته و یا از تشعشع‌های پر برکت آن بهره برده و اطاعت از حکم خداوند از انسان موجودی پویا، سازنده و رو به پیشرفت در تمام ابعاد می‌سازد. خداوند عالی‌ترین هدف برانگیخته شدن پیامبران را تعلیم یاد کرده است: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ»، «او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده، رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها می‌خواند و آنها را تزکیه می‌کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می‌آموزد، هرچند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند!» (جمعه، ۲). پیامبر اکرم (ص) نیز هدف از برانگیخته شدن خود را مکارم اخلاق بیان کرده‌اند: «إِنِّي بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»، «همانا من برای تکمیل والایی‌های اخلاقی برانگیخته شدم» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۸، ص ۳۷۳).

احادیث و سیره هر یک از ائمه معصومین (ع) به نوبه خود یک الگوی تربیتی بشمار می‌آیند. در این میان امام علی (ع) به عنوان کسی که از کودکی در دامان بهترین مربی یعنی پیامبر اکرم (ص) تربیت یافته است، یک الگوی تربیتی درخشان بشمار می‌آید که می‌توان به آن تأسی نمود. نهج‌البلاغه که در بردارنده خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمه‌های قصار ایشان می‌باشد و همچنین سیره ایشان هم در دوران خلافت و هم در دورانی که خلافت از ایشان غصب گردید، سرشار از مسایل و نکات تربیتی است که می‌بایست سرلوحه مربیان در امر تربیت قرار گیرد. همه معصومین (ع) از گوهر عصمت از خطا برخوردار و در نگاه تشیع بهترین و مطمئن‌ترین الگوهای تربیتی هستند. در این میان علی (ع) تربیت یافته پیامبر (ص) بودند. سیره و سبک زندگی و تربیتی پیامبر (ص) را بر پایه برنامه‌های تکمیلی قرآن و سنت با مخاطبان دور و نزدیک در همه زمان‌ها در قالب سخن‌ها، ارشادها، هشدارها و پند و موعظه‌ها بیان می‌کنند. آن حضرت دست‌پرورده پیامبری است که هدفی جز تربیت نداشته و علی (ع) را همراه با قرآن و قرآن را نیز همراه با علی (ع) می‌داند.

همچنین حضرت علی (ع) در توصف خود می‌گویند: «به خدا سوگند، تبلیغ رسالت‌ها، وفای به پیمان‌ها، و تفسیر اوامر و هشدارهای الهی به من آموزش داده شده، درهای دانش و روشنایی امور انسان‌ها نزد ما اهل بیت پیامبر (ص) است» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۲۰).

تربیت، از جمله تربیت اجتماعی، در بردارنده تعامل با افراد دیگر در درون خانواده و در جامعه پیرامونی به شکل رسمی یا غیر رسمی و در تعامل‌های نزدیک و دور است، به طوری که فرد یاد گرفته

باشد متناسب با فضا، مکان، زمان و شرایط گوناگون اجتماعی رفتار نماید و آنچنان که اخلاق، قانون و دیگر الزام‌های اجتماعی از او خواسته است اطاعت نموده و رعایت عدالت اجتماعی را بنماید و از تندروری و کندروی دوری نماید و جنبه‌های گوناگون زندگی اجتماعی فرد از اینگونه رفتارها عینیت یافته باشد.

تربیت افراد جز با تلاش در راستای تربیت اجتماعی و ایجاد تحول‌های اجتماعی مناسب اهداف تربیتی، میسر نیست و آنچه در تربیت فردی بیرون از حرکت‌های اجتماعی صورت می‌پذیرد، آنقدر اندک است که در مقایسه با عملکرد اجتماع، شایسته توجه نیست. بنابراین، نبود تربیت اجتماعی مناسب در هر جامعه، به مشکلات و معضله‌های فراوانی برای افراد آن جامعه منجر می‌شود.

منظور از شناسایی الگوی تربیت دینی نهج‌البلاغه در پژوهش حاضر، روش‌های تربیت دینی مورد اشاره امیرالمومنین (ع) است که در طول دوران حیات آن حضرت بیان داشته‌اند و بخش گسترده‌ای از آن را سید رضی در کتاب شریف نهج‌البلاغه گردآوری کرده و مفسرین گوناگون نهج‌البلاغه آن را تفسیر نموده‌اند.

مقام معظم رهبری درباره جایگاه نهج‌البلاغه در شناخت امیرالمومنین (ع) فرموده‌اند: «امیرالمومنین (ع) در نهج‌البلاغه است، امیرالمومنین (ع) در روایات فراوانی است که از آن بزرگوار و اولاد طاهرینش باقی مانده است. این چیزهایی که بعضی می‌گویند علی این جور بود، علی آن جور بود! نخیر! علی (ع) آن است که در نهج‌البلاغه است» (محمدیان، ۱۳۹۵).

## ۲. تعریف مفاهیم

### ۱-۲. تربیت

تربیت عبارت است از پرورش دادن، یعنی استعداد‌های درونی را که بالقوه در یک چیزی وجود دارد، به فعلیت در آوردن و پروراندن (مطهری، ۱۳۹۷، ج ۲۲، ص ۵۵۱).

### ۲-۲. دین

دین، نظام اعتقادی، عملی و اخلاقی به هم پیوسته‌ای است که از جانب خدا بر پیامبران وحی شده تا مردم را بر پایه آن، ارشاد و راهنمایی نمایند (باهر، ۱۳۶۱، ص ۷۰).

### ۳-۲. تربیت دینی

تربیت دینی فراهم کردن زمینه شکوفایی فطرت توحیدی انسان و آشکارسازی آن در رفتار عبادی وی

است؛ پس، تربیت دینی، فرایندی برای رسیدن فراگیر به توحید است (ابوطالبی، ۱۳۸۶، ص ۲۴).

## ۲-۴. تربیت اجتماعی

تربیت اجتماعی یعنی ایجاد بهترین کنش‌گری اجتماعی و توان نقش‌آفرینی افراد جامعه به ویژه در بحران‌ها است. تربیت اجتماعی برای انسان در اجتماع، حقوق و نقش‌هایی در نظر می‌گیرد، زیرا تربیت فرایندی است که در بُعد اجتماعی، هدفش آسان‌سازی عمل به نقش‌های اجتماعی در برابر انسان‌های دیگر و موقعیت‌های اجتماعی است. بنابراین، بایسته یک نظام تربیت اجتماعی منسجم، در نظر گرفتن حقوق متقابل افراد انسانی در جامعه می‌باشد و این نظام باید بتواند با ساده‌ترین روش‌ها، فراگیران خود را به حقوق اجتماعی یکدیگر آشنا ساخته و رفتار شایسته آن‌ها را درخواست نماید.

## ۳. پیشینه پژوهش

در این بخش به پژوهش‌های مرتبط با حوزه تعلیم و تربیت، به ویژه تربیت دینی، اشاره می‌شود. شجاعی، باطنی و حسینی نیک (۱۴۰۱)، در پژوهشی با عنوان اصول و روش‌های تربیت اجتماعی و دینی در قرآن کریم، با تاکید بر عنوان خط قرمزها در تربیت از منظر نهج البلاغه، نشان دادند که پویایی نظام تربیت اجتماعی دینی در این است که اصول، روش‌ها و کارکردهای خود را از حالت ایستا دور کرده و خواسته‌های متغیر پیرامون را جواب دهد.

شیروانی شیری و عسگری (۱۴۰۰)، در پژوهشی با عنوان بررسی تربیت اجتماعی از دیدگاه معلمان و مبانی نظری تحول بنیادین در جمهوری اسلامی، معتقدند که دیدگاه‌های مطرح در حوزه تربیت اجتماعی، اشتراک‌هایی با هم دارند و به پرورش مهارت‌های ارتباطی، رعایت هنجارها و قوانین توجه داشته‌اند.

بنائی، ضامنی و رسولی (۱۳۹۹)، در پژوهشی با عنوان شناسایی تاثیر ابعاد تربیت اجتماعی مبتنی بر مبانی فلسفی از منظر قرآن و عترت، بر پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی دانش‌آموزان، نشان دادند که ابعاد تربیت اجتماعی بر پایه مبانی فلسفی از دیدگاه قرآن و عترت بر پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی دانش‌آموزان تاثیر دارد. همچنین در این پژوهش مدل مناسبی بر پایه تاثیر مبانی فلسفی تربیت اجتماعی از دیدگاه قرآن و عترت بر پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی دانش‌آموزان معرفی شده است.

اسلامی، احمدآبادی، محمدی و رشیدی (۱۳۹۷)، در پژوهشی با عنوان تربیت اجتماعی از منظر سه رویکرد جامعه‌شناختی کلان‌نگر، خردنگر و تلفیقی، معتقدند که اهداف غایی رویکرد کلان‌نگر، بر پرورش فضیلت اجتماعی و ایجاد انسجام اجتماعی و اهداف میانی آن دربردارنده نگاهداشت میراث

فرهنگی و ارزش‌های مشترک افراد جامعه و پرورش روحیه اجتماعی در بین آن‌ها است. اهداف غایی خردنگر بر پرورش افراد مستقل و آزاد و پرورش خردورزانه دانش‌آموزان و اهداف میانی بر رعایت زمینه‌پدایی همه ابعاد آزادی تاکید دارد. اهداف غایی رویکرد آمیخته نیز بر پرورش روحیه همفکری و پافشاری بر علاقه‌ها و نیازهای مشترک و اهداف میانی بر خرد ارتباطی در مناسبت‌های آموزشی و بدست آوردن بینش نگرش بین ذهنی و زمینه تعامل همدلانه مبتنی است.

جان‌نثاری و واعظی (۱۳۹۶)، در پژوهشی با عنوان جایگاه اخلاق در تربیت اجتماعی نشان دادند که رفتار اجتماعی با اخلاق همراه بوده و در متن تربیت اجتماعی قرار گرفته است و با تعالی روحی، تقرب به خداوند، بایسته‌های اعتقادی مانند فطرت، توحید و شیوه‌هایی مانند محبت و احترام به دست می‌آید؛ به گونه‌ای که همواره رشد و کمال انسان را در راستای ارزش‌های اخلاقی قرار داده و خوشبختی در زندگی را با اخلاق رهنمون و بایسته کرده است.

#### ۴. روش تحقیق

روش تحقیق حاضر، تحلیل محتوای کمی است. در این راستا، ابتدا مفاهیم مرتبط با تربیت و تربیت دینی و جمله‌ها و متن‌ها شمرده شده و فراوانی آن‌ها ثبت گردید و سپس به هر کدام از مفاهیم، به اندازه ارتباطی که با مفهوم «تربیت» دارند، وزن داده شد. در مرحله بعد، عدد فراوانی ضربدر (x) وزن مفهوم گردید، عدد بدست آمده بیانگر نگاه امام علی (ع) به هر یک از ابعاد و گونه‌های تربیت دینی می‌باشد. مدل مفهومی بر پایه روش داده-بنیاد از درون این مطالعه استخراج شد. کل خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های تربیتی نهج البلاغه از ترجمه مرحوم دشتی بوده است که به شکل هدفمند با موضوع «تربیت دینی» استخراج شد. متن‌های بدست آمده مجموعاً شامل ۶۲ فراز از نهج البلاغه بودند. نمونه انتخابی، مناسبت و بسندگی آن بر پایه اشباع نظری انجام شد و اعتبار و پایایی ابزار بر پایه کشف و بازرسی بود، بدین معنا که با کدگذاری‌های باز، محوری و انتخابی که انجام شد، در هر مرحله که نیاز به مفاهیم و مقوله‌های جدید احساس می‌شد، مفهوم و مقوله جدید اضافه یا حذف می‌گردید. از ویژگی‌های روش‌های داده-بنیاد، همان ویژگی‌های الکلنگی است و بدین شکل نظریه‌مبنایی مدل پژوهش استخراج شد.

#### ۵. حقوق متقابل مردم و رهبری

«أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا وَ لَكُمْ عَلَى حَقِّي فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَيَّ فَالْنَّصِيحَةُ لَكُمْ وَ تَوْفِيرُ فَيْئِكُمْ عَلَيَّكُمْ وَ تَعْلِيمُكُمْ كَيْلًا تَجْهَلُوا وَ تَأْدِيبُكُمْ كَيْمًا تَعْلَمُوا وَ أَمَّا حَقِّي عَلَيْكُمْ فَالْوَفَاءُ بِالْبَيْعَةِ وَ النَّصِيحَةُ فِي الْمَشْهَدِ وَ

الْمَغِيبِ وَالْإِجَابَةُ حِينَ أَدْعُوكُمْ وَالطَّاعَةَ حِينَ أَمْرُكُمْ»، «ای مردم، مرا بر شما و شما را بر من حقی واجب شده است، حق شما بر من، آنکه از خیرخواهی شما دریغ نورزم و بیت المال را میان شما عادلانه تقسیم کنم، و شما را آموزش دهم تا بی سواد و نادان نباشید، و شما را تربیت کنم تا راه و رسم زندگی را بدانید. و اما حق من بر شما این است که به بیعت با من وفادار باشید، و در آشکار و نهان برایم خیرخواهی کنید، هرگاه شما را فراخواندم، اجابت نمایید و فرمان دادم، اطاعت کنید (خطبه ۳۴).

جدول شماره ۱- داده‌های کمی

ردیف	مفهوم	فراوانی	ارزش	امتیاز
۱	ادب	۱	۱۰	۱۰
۲	خیرخواهی	۱	۱۰	۱۰
۳	تربیت راه و رسم	۱	۱۰	۱۰
۴	مبارزه با بی سواد و جاهل	۱	۱۰	۱۰
۵	عدالت‌ورزی	۱	۱۰	۱۰
۶	وفاداری در بیعت	۱	۱۰	۱۰
۷	یادگیری راه و رسم زندگی	۱	۱۰	۱۰
۸	فرمان‌برداری	۱	۱۰	۱۰
۹	اطاعت‌پذیری	۱	۱۰	۱۰
۱۰	وفاداری به پیمان‌ها	۱	۱۰	۱۰
۱۱	اجابت دعوت‌های ولی	۱	۱۰	۱۰

امام علی (ع) در خطبه (۳۴)، حقوق متقابل حکومت و مردم را به عنوان نکته‌های تربیتی متقابل برشمرده است.

## ۶. شیوه‌های هدایت و تربیت اجتماعی، راه‌های پندپذیری (راه‌های شناخت)

«جَعَلَ لَكُمْ أَسْمَاعًا تَبْعِي مَا عَنَّا وَ أَبْصَارًا لَتَجُلُوا عَنْ عَشَائِهِا وَ أَسْلَاءَ جَامِعَةً لِأَعْضَائِهَا مُلَانِمَةً لِأَخْنَانِهَا فِي تَرْكِبِ صُورِهَا وَ مُدِدِ عُمْرِهَا بِأَبْدَانٍ قَانِمَةٍ بِأَرْفَاقِهَا وَ قُلُوبٍ رَانِدَةٍ لِأَرْزَاقِهَا فِي مُجَلَّلَاتِ نِعْمِهِ وَ مُوجِبَاتِ مَنَنِهِ وَ حَوَاجِزِ عَافِيَتِهِ وَ قَدَرٍ لَكُمْ أَعْمَارًا سَتَرَهَا عَنْكُمْ وَ خَلْفَ لَكُمْ عِبْرًا مِنْ آثَارِ الْمَاضِينَ قَبْلَكُمْ مِنْ مُسْتَمْتَعِ خَلَاقِهِمْ وَ مُسْتَفْسَحِ خَنَاقِهِمْ أَزْهَقْتَهُمُ الْمَنَايَا دُونَ الْأَمَالِ وَ شَدَّ بِهِمْ عَنْهَا تَحْرُمُ الْأَجَالِ لَمْ يَمْهَدُوا فِي سَلَامَةِ الْأَبْدَانِ وَ لَمْ يَعْتَبِرُوا فِي أَنْفِ الْأَوَانِ فَهَلْ يَنْتَظِرُ أَهْلُ بَضَائِصِ الشَّبَابِ إِلَّا حَوَانِي الْهَرَمِ وَ أَهْلُ غَضَارَةِ الصِّحَّةِ إِلَّا نَوَازِلِ السَّقَمِ وَ أَهْلُ مُدَّةِ الْبَقَاءِ إِلَّا آوَنَةَ الْفَنَاءِ مَعَ قُرْبِ الزَّيَالِ وَ أُرُوفِ الْإِنْتِقَالِ وَ عِلْرِ الْقَلْتِ وَ أَلَمِ الْمَضَضِ وَ



غُصَصِ الْجَرْصِ وَ تَلَفَّتِ الْإِسْتِغَاثَةَ بِبُصْرَةِ الْحَفْدَةِ وَ الْأَقْرِبَاءِ وَ الْأَعْرَةَ وَ الْقُرْنَاءَ فَهَلْ دَفَعَتِ الْأَقْرَبُ أَوْ نَفَعَتِ النَّوَاجِبِ»، «خدا گوش‌هایی برای پند گرفتن از شنیدنی‌ها، و چشم‌هایی برای کنار زدن تاریکی‌ها، به شما بخشیده است، و هر عضوی از بدن را اجزاء متناسب و هماهنگ عطاء فرموده تا در ترکیب ظاهری صورت‌ها و دوران عمر با هم سازگار باشند، با بدن‌هایی که منافع خود را تأمین می‌کنند، و قلب‌هایی که روزی را به سراسر بدن با فشار می‌رسانند، و از نعمت‌های شکوهمند خدا برخوردارند، و در برابر نعمت‌ها شکر گزارند، و از سلامت خدادادی بهره‌مندند. مدت زندگی هر يك از شماها را مقدر فرمود، و از شما پوشیده داشت، و از آثار گذشتگان عبرت‌های پندآموز برای شما ذخیره کرد، لذت‌هایی که از دنیا چشیدند، و خوشی‌ها و زندگی راحتی که پیش از مرگ داشتند، سرانجام دست مرگ گریبان آن‌ها را گرفت و میان آن‌ها و آرزوهایشان جدایی افکند. آن‌ها که در روز سلامت چیزی برای خود ذخیره نکردند، و در روزگاران خوش زندگی عبرت نگرفتند. آیا خوشی‌های جوانی را جز ناتوانی پیری در انتظار است؟ و آیا سلامت و تندرستی را جز حوادث بلا و بیماری در راه است؟ و آیا آنان که زنده‌اند، جز فنا و نیستی را انتظار دارند؟ با اینکه هنگام جدایی و تپش دل‌ها نزدیک است که سوزش درد را چشیده، و شربت غصه را نوشیده، و فریاد یاری خواستن برداشته، و از فرزندان و خویشاوندان خود، درخواست کمک کرده است. آیا خویشاوندان می‌توانند مرگ را از او دفع کنند؟ و آیا گریه و زاری آن‌ها نفعی برای او دارد؟» (خطبه ۸۳، ص ۱۳۵).

جدول شماره ۲- داده های کمی

ردیف	مفهوم	فراوانی	ارزش	امتیاز
۱	برشمردن نعمت‌ها	۵	۹	۴۵
۲	عبرت از گذشتگان	۱۱	۷	۷۷
۳	پند گرفتن شنیداری	۱	۸	۸

عبرت از رفتار گذشتگان با ۱۱ بار فراوانی، بیشترین اثر تربیتی در این خطبه را دارد. برشماری نعمت‌ها و بصیرت با بینایی و پند گرفتن از شنیدن، در رتبه‌های بعدی قرار دارند. به هر حال، این خطبه نشان می‌دهد که امام(ع) برای آماده ساختن دل‌ها و بیدار کردن مردم بسیار جدی بوده، و در بهترین و آماده‌ترین حالت قرار داشته يك دوره فشرده درس انسان سازی است و کمتر کسی پیدا می‌شود که آن را به دقت بررسی کرده باشد و اثر ژرف نگرفته باشد؛ این خطبه را می‌توان به «دوازده» بخش تقسیم کرد که هر کدام از آن‌ها کامل‌کننده دیگری است.

## ۷. اخلاق اجتماعی

«وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ نَكُنْ مِنْ أَهْلِهِ وَانْكُرِ الْمُنْكَرَ بِيَدِكَ وَلسَانِكَ وَبِأَيْنَ مَنْ فَعَلَهُ بِجُهْدِكَ وَجَاهِدْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَلَا تَأْخُذْ فِي اللَّهِ لَوْمَةً لَأَنْتُمْ وَخُضِ الْعِمْرَاتِ لِلْحَقِّ حَيْثُ كَانَ وَتَفَقَّهُ فِي الدِّينِ وَاعْوِذْ نَفْسَكَ التَّصَبُّرَ عَلَى الْمَكْرُوهِ وَنِعْمَ الْخُلُقُ التَّصَبُّرُ فِي الْحَقِّ وَالْحِجَى نَفْسَكَ فِي أُمُورِكَ كُلَّهَا إِلَى إِلَهِكَ فَإِنَّكَ تُلْحِقُهَا إِلَى كَهْفِ حَرِيْزٍ وَمَانِعِ عَزِيْزٍ وَأَخْلِصْ فِي الْمَسْأَلَةِ لِرَبِّكَ فَإِنَّ يَدَيْهِ الْعَطَاءُ وَالْحِرْمَانُ وَأَكْثَرُ الْإِسْتِحَارَةِ وَتَفَهُمِ وَصِيَّتِي وَلَا تَذْهَبَنَّ عَنْكَ صَفْحًا فَإِنَّ خَيْرَ الْقَوْلِ مَا نَفَعَ وَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا خَيْرَ فِي عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ وَلَا يَنْتَفَعُ بِعِلْمٍ لَا يَحِقُّ تَعَلُّمُهُ»، «به نیکی ها امر کن و خود نیکوکار باش، و با دست و زبان، بدی ها را انکار کن، و بکوش تا از بدکاران دور باشی، و در راه خدا آنگونه که شایسته است، تلاش کن، و هرگز سرزنش ملامت گران تو را از تلاش در راه خدا باز ندارد. برای حق در مشکلات و سختی ها شنا کن، شناخت خود را در دین به کمال رسان، خود را برای استقامت در برابر مشکلات عادت ده، که شکیبایی در راه حق، عادتت پسندیده است. در تمام کارها خود را به خدا واگذار، که به پناهگاه مطمئن و نیرومندی رسیده‌ای. در دعا، با اخلاص پروردگارت را بخوان، که بخشیدن و محروم کردن به دست اوست. و فراوان از خدا درخواست خیر و نیکی داشته باش. وصیت مرا بدرستی دریاب، و به سادگی از آن نگذر، زیرا بهترین سخن آن است که سودمند باشد، بدان علمی که سودمند نباشد، فایده‌ای نخواهد داشت، و دانشی که سزاوار یادگیری نیست، سودی ندارد» (نهج البلاغه، ص ۵۲۱).

جدول شماره ۳- داده‌های کمی

ردیف	مفهوم	فراوانی	ارزش	امتیاز
۱	تبیین وظایف در قبال اجتماع	۶	۱۰	۶۰
۲	شکیبایی در برابر مشکلات	۶	۱۰	۶۰
۳	درخواست نیکی از خدا	۳	۸	۲۴

این اصل خردورزانه در روایت‌های زیادی، از جمله حدیث معروف پیغمبر اکرم (ص) به آن اشاره شده است آنجا که می‌فرماید: «دَعُ مَا يُرِيْبُكَ إِلَى مَا لَا يُرِيْبُكَ»، «آنچه تو را به شک می‌افکند را رها کن و به سوی راهی برو که در آن شک و تردید نداری». در حدیث دیگری پیغمبر اکرم (ص)، امور زندگی انسان‌ها را به سه بخش تقسیم می‌کند: «بخشی بین رشد که سالم بودنش آشکار است و باید از آن پیروی کرد و بخشی بین الغی که ناسالم بودنش آشکار است و باید آن را رها و بخشی که مشکوک است که باید آن را رها نمود و به خدا واگذار کرد». امام علی (ع) در پایان این بخش، دو اندرز مهم دیگر به

فرزندش می‌دهد و می‌فرماید: «در دین خود تفقه کن (و حقایق دین را به طور کامل فراگیر) و خویشتن را بر استقامت در برابر مشکلات عادت ده که استقامت و شکیبایی در راه حق، اخلاق بسیار نیکویی است»، «وَتَفَقَّهُ فِي الدِّينِ، وَعَوِّذْ نَفْسَكَ التَّصَبُّرَ عَلَى الْمَكْرُوهِ، وَنِعْمَ الْخُلُقُ التَّصَبُّرُ فِي الْحَقِّ» (مکارم شیرازی، ۱۳۹۷).

### ۸. آیین دوست‌یابی (اخلاقی، اجتماعی، تربیتی)

«وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَعْجَزُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ اِكْتِسَابِ الْاِخْوَانِ وَاعْجَزَ مِنْهُ مَنْ صَبَّحَ مِنْ ظَفَرِ بِيهٍ مِنْهُمْ»، «ناتوان‌ترین مردم کسی است که در دوست‌یابی ناتوان است و از او ناتوان‌تر آنکه دوستان خود را از دست بدهد» (نهج البلاغه، حکمت ۱۲، ص ۶۲۷).

جدول شماره ۴ - داده‌های کمی

ردیف	مفهوم	فراوانی	ارزش	امتیاز
۱	دوست‌یابی	۲	۱۰	۲۰

شکی نیست که مهم‌ترین سرمایه انسان در زندگی، دوستان صمیمی است. این سرمایه نه تنها برای یاری کردن انسان در برابر سختی‌ها، بلکه برای پند گرفتن از تجربه‌ها و نظرهای آن‌ها بایسته است. به دست آوردن دوستان خوب کار آسانی نیست، همچون به دست آوردن مال نیست که نیاز به تلاش و کوشش فراوان و گاهی نیاز به سرمایه‌گذاری‌های کلان دارد و همچون مقام نیست که به دست آوردنش نیاز به روابط اجتماعی نیرومند دارد، بلکه با سرمایه‌ای که در اختیار هر کس هست، به دست می‌آید و آن سرمایه گشاده‌رویی، ادب و معاشرت نیک است. بر همین مبنا امام علی(ع) می‌فرماید: «عاجزترین مردم کسی است که از به دست آوردن دوست عاجز باشد»، «أَعْجَزُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ اِكْتِسَابِ الْاِخْوَانِ».

ممکن است به دست آوردن چیزی، تا اندازه‌ای زحمت داشته باشد، ولی نگاه داشتن آن آسان‌تر است. بنابراین، کسی که دوستان خود را با بی‌مهری یا بی‌توجهی از دست می‌دهد، ناتوان‌تر از کسی است که نتوانسته دوستی به دست آورد. در اینجا سؤالی مطرح است مبنی بر اینکه اگر امام(ع) در جمله نخست می‌فرماید: «از همه مردم عاجزتر کسی است که...»، چگونه بعد از آن می‌فرماید: «و از او عاجزتر کسی است که دوستانش را از دست دهد». اگر جمله نخست عامیت دارد، با جمله دوم سازگار نیست. ولی پاسخ این سؤال روشن است و آن اینکه، جمله نخست عامیت نسبی دارد و عامیت نسبی با وجود برخی از جزءها، منافات ندارد و شبیه این تعبیر در کلمات روزانه مردم نیز زیاد است. به عنوان

مثال مردم می‌گویند: بدبخت‌ترین مردم کسی است که آبروی خود را از دست دهد و از او بدبخت‌تر کسی است که ایمان خود را از دست دهد و هیچ‌گاه در شناخت مردم نقضی در میان این دو دیده نمی‌شود (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۹۳).

### ۹. ارزش‌ها و آداب معاشرت با مردم (اخلاقی، اجتماعی، تربیتی)

«وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لِابْنِهِ الْحَسَنِ: يَا بُنَيَّ احْفَظْ عَنِّي أَرْبَعًا وَ أَرْبَعًا لَا يَضُرُّكَ مَا عَمِلْتَ مَعَهُنَّ: إِنَّ أَعْنَى الْغِنَى الْعَقْلُ وَ أَكْبَرُ الْفَقْرِ الْحُمُؤُ وَ أَوْحَشُ الْوَحْشَةِ الْعُجْبُ وَ أَكْرَمُ الْحَسَبِ حُسْنُ الْخُلُقِ. يَا بُنَيَّ إِيَّاكَ وَ مُصَادَقَةَ الْأَحْمَقِ فَإِنَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَنْفَعَكَ فَيَضُرُّكَ وَ إِيَّاكَ وَ مُصَادَقَةَ الْبَخِيلِ فَإِنَّهُ يَقْعُدُ عَنْكَ أَحْوَجَ مَا تَكُونُ إِلَيْهِ وَ إِيَّاكَ وَ مُصَادَقَةَ الْفَاجِرِ فَإِنَّهُ يَبِيعُكَ بِالتَّافِهِ وَ إِيَّاكَ وَ مُصَادَقَةَ الْكَذَّابِ فَإِنَّهُ كَالسَّرَابِ يَقْرُبُ عَلَيْكَ الْبَعِيدَ وَ يُبْعَدُ عَلَيْكَ الْقَرِيبَ»، «به فرزندش امام حسن (ع) فرمود: پسر من! چهار چیز از من یاد گیر (در خوبی‌ها)، و چهار چیز به خاطر بسپار (هشدارها)، که تا به آن‌ها عمل می‌کنی، زیان‌نبینی: خوبی‌ها: همانا ارزشمندترین بی‌نیازی، عقل است، بزرگ‌ترین فقر، بی‌خردی است، ترسناک‌ترین تنهایی، خودپسندی است، گرامی‌ترین ارزش خانوادگی، اخلاق نیکوست؛ هشدارها: پسر من! از دوستی با احمق بپرهیز، چرا که می‌خواهد به تو نفعی رساند، اما دچار زیان‌ت می‌کند، از دوستی با بخیل بپرهیز، زیرا آنچه را که سخت به آن نیاز داری، از تو دریغ می‌دارد، از دوستی با بدکار بپرهیز، که با اندک بهایی تو را می‌فروشد، از دوستی با دروغگو بپرهیز، که او به سراب ماند، دور را به تو نزدیک، و نزدیک را دور می‌نمایاند» (حکمت ۱۳۹).

جدول شماره ۵- داده‌های کمی

ردیف	مفهوم	فراوانی	ارزش	امتیاز
۱	رفتار عاقلانه	۳	۱۰	۳۰
۲	خوش اخلاقی	۱	۱۰	۱۰
۳	دوری از غرور	۱	۱۰	۱۰
۴	صداقت و راست‌گویی	۱	۱۰	۱۰

امام علی (ع) در این گفتار پربار حکمت‌آمیز به فرزندش امام حسن مجتبی (ع) و در واقع به همه انسان‌ها می‌فرماید: «فرزند من! چهار چیز و چهار چیز را از من حفظ کن که با آن هر کار کنی، به تو زیان نخواهد رسید»، «قَالَ لِابْنِهِ الْحَسَنِ (ع): يَا بُنَيَّ، احْفَظْ عَنِّي أَرْبَعًا، وَ أَرْبَعًا، لَا يَضُرُّكَ مَا عَمِلْتَ مَعَهُنَّ». در اینجا این سؤال پیش می‌آید که امام (ع) چرا نفرمود: من هشت چیز را به تو سفارش می‌کنم، بلکه فرمود:

چهار چیز و چهار چیز. پاسخ سؤال این است که امام(ع) می‌خواهد به این شکل مخاطب را متوجه گوناگونی این دو با هم سازد، زیرا چهار بخش نخست درباره ویژگی‌های اخلاقی بوده و چهار بخش دوم مربوط به رفتارها است. همچنین چهار بخش نخست درباره دستورها و چهار بخش دوم درباره نهی‌ها می‌باشد (دشتی، ۱۳۹۰).

### ۱۰. ارزش‌های اخلاقی (علم تربیت)

«وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا غِنَى كَالْعَقْلِ وَلَا فَقْرَ كَالْجَهْلِ وَلَا مِيرَاتَ كَالْأَدَبِ وَلَا ظَهِيرَ كَالْمُسَاوَرَةِ»، «و درود خدا بر او، فرمود: هیچ ثروتی چون عقل، و هیچ فقری چون نادانی نیست. هیچ ارثی چون ادب، و هیچ پشتیبانی چون مشورت نیست» (نهج البلاغه، حکمت ۵۱، ص ۶۳۷).

جدول شماره ۶- داده‌های کمی

ردیف	مفهوم	فراوانی	ارزش	امتیاز
۱	رفتار عاقلانه	۲	۱۰	۲۰
۲	کالادب (ادب)	۱	۱۰	۱۰
۳	کالمشاوره (مشورت)	۱	۱۰	۱۰

درباره اهمیت خرد همین بس که اگر خرد و تدبیر باشد، همه چیز در پی آن می‌آید. دارایی و ثروت را با خرد و تدبیر به دست می‌آورند. مقام و شخصیت نیز زاینده خرد است. آسایش، آرامش و خوشبختی دو جهان با خرد به دست می‌آید.

به گفته برخی از مفسران نهج البلاغه، در قرآن مجید واژه خرد و علم و ترکیب‌های آن‌ها ۸۸۰ مرتبه آمده است و این نشان‌دهنده اهمیت بسیار مسأله خرد در قرآن و اسلام است. روایت‌های اسلامی نیز درباره اهمیت خرد، بی‌شمار هستند. کلینی در جلد نخست کتاب کافی، در کتاب العقل و الجهل، احادیث بسیار و پرمایه‌ای درباره اهمیت خرد از پیغمبر اکرم(ص) و امامان معصوم(ع) نقل کرده است. مراد از ادب، معاشرت نیک با مردم و فروتنی در برابر مردم و آفریننده مردم و برخورد پسندیده با همه است. معنی اصلی واژه ادب، دعوت کردن است و از آنجایی که اخلاق نیک و برخورد شایسته، مردم را به خوبی‌ها دعوت می‌کند، آن را ادب نامیده‌اند.

آنچه امام(ع) درباره مشورت در اینجا بیان فرموده و آن را بهترین پشتیبان شمرده، این است که اسلام دین استبداد نیست. اسلام می‌گوید: خداوند همه علم و دانش و خرد را به یک یا چند نفر نبخشیده، بلکه در میان بندگان خدا تقسیم کرده است. اگر کسی می‌خواهد به کمال علم و دانش و خرد

برسد، باید از اندیشه‌های دیگران استفاده کند و چه بسا یک مشورت، جلوی اشتباه‌های بسیاری را می‌گیرد، به ویژه اینکه کسی که دنبال انجام کاری است، آنچه را برابر خواست اوست، بر غیر آن رجحان می‌بخشد و نمی‌تواند به داوری بی‌طرفانه بنشیند و به همین دلیل ممکن است گرفتار اشتباه‌های گسترده‌ای شود؛ اما افرادی که از قلمرو کار او بیرون هستند، بهتر و روشن‌تر می‌توانند درباره آن داوری کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۹۷).

### ۱.۱. ترك دوستان و تنهایی (اخلاقی، اجتماعی، تربیتی)

«وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَقَدْ الْأَجْبَةُ غُرْبَةً»، «و درود خدا بر او، فرمود: از دست دادن دوستان، غربت است» (حکمت ۶۵).

جدول شماره ۷- داده‌های کمی

ردیف	مفهوم	فراوانی	ارزش	امتیاز
۱	حفظ دوستی	۱	۱۰	۱۰

آشکار است که انسان در وطن علاقه‌های زیادی دارد که در مسئله‌های مادی و معنوی از آن‌ها بهره می‌گیرد و احساس تنهایی نمی‌کند، چون در وطن خویش است و در مشکلات بی‌پناه نیست، آرامش درون دارد و احساس امنیت می‌کند؛ ولی در غربت و دوری از وطن، همه اینها را از کف می‌دهد، خود را تنها می‌یابد، بدون یار و یاور و بی‌پناه و بدون آرامش است. امام(ع) می‌فرماید: انسان اگر در وطن خویش هم باشد، ولی دوستان را از دست دهد، گویی در غربت و دور از وطن است. پیام این کلام حکمت‌آمیز این است که هر مسلمانی باید بکوشد و دوستان بیشتری برای خود فراهم سازد، ولی مسلم است که هر کسی شایسته دوستی نیست، بلکه باید دوستانی انتخاب کرد که کمکی بر دین و دنیا باشند. همین مضمون در نامه ۳۱ که اندرزنامه امام(ع) به فرزند دل‌بندش امام حسن مجتبی(ع) است، به صورت دیگری نقل شده که فرمود: «الْغَرِيبُ مَنْ لَيْسَ لَهُ حَبِيبٌ»، «غریب کسی است که دوستی ندارد» (دشتی، ۱۳۹۰).

### ۱.۲. راه اصلاح دنیا و آخرت (اخلاقی، تربیتی، اجتماعی)

«وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ أَصْلَحَ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ أَصْلَحَ اللَّهُ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّاسِ وَ مَنْ أَصْلَحَ أَمْرَ آخِرَتِهِ أَصْلَحَ اللَّهُ لَهُ أَمْرَ دُنْيَاهُ وَ مَنْ كَانَ لَهُ مِنْ نَفْسِهِ وَاعِظٌ كَانَ عَلَيْهِ مِنَ اللَّهِ حَافِظٌ»، «و درود خدا بر او، فرمود: کسی که میان خود و خدا اصلاح کند، خداوند میان او و مردم را اصلاح خواهد کرد، و کسی که امور

آخرت را اصلاح کند، خدا امور دنیای او را اصلاح خواهد کرد، و کسی که از درون جان واعظی دارد، خدا را بر او حافظی است» (حکمت ۸۹).

جدول شماره ۸- داده‌های کمی

ردیف	مفهوم	فراوانی	ارزش	امتیاز
۱	واعظ و تربیت نفس	۱	۸	۸
۲	دینداری	۲	۱۰	۲۰

در اینکه رابطه میان نتیجه‌های سه گانه‌ای که در این مفاهیم حکمت‌آمیز آمده و مقدمه‌های آن، رابطه‌ای طبیعی و منطقی است، یا روحانی و معنوی؛ مفسران نهج‌البلاغه راه‌های گوناگونی را پیموده‌اند، ولی می‌توان گفت: رابطه، الهی و معنوی بوده و همزمان منطقی هم است، زیرا کسی که میان خود و خدا را درست می‌کند، یعنی در برابر هر امری قرار می‌گیرد، نخست نگاه کند که رضای خدا در چیست و آن را برگزیند. چنین کسی به یقین شایسته توجه خداوند قرار می‌گیرد و خداوند رابطه او با مردم را سامان می‌بخشد. علاوه بر این، اصلاح رابطه با خدا نیازمند صدق، امانت و راستی است. کسی که صدق، امانت و راستی پیشه کند، به یقین، مردم به او علاقه‌مند می‌شوند و امین مردم خواهد شد و به او اعتماد می‌کنند و مشکلی با او ندارند (ابن ابی الحدید، ۱۳۹۳).

### ۱۳. ضرورت عمل کردن به روایات (علمی، اجتماعی، تربیتی)

«وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اَعْقِلُوا الْخَبَرَ إِذَا سَمِعْتُمُوهُ عَقْلٌ رِعَايَةٌ لَأَعْقَلَ رِوَايَةً فَإِنَّ زُورَةَ الْعِلْمِ كَثِيرٌ وَرِعَايَتُهُ قَلِيلٌ»، «و درود خدا بر او، فرمود: چون روایتی را شنیدید، آن را بفهمید، عمل کنید، نه بشنوید و نقل کنید، زیرا روایان علم فراوان، و عمل‌کنندگان آن اندک هستند» (حکمت ۹۸).

جدول شماره ۹- داده‌های کمی

ردیف	مفهوم	فراوانی	ارزش	امتیاز
۱	عمل‌گرایی	۴	۱۰	۴۰
۲	پرهیز از ظاهرگرایی	۲	۱۰	۲۰

امام علی (ع) در این گفتار حکیمانه، ملاکی برای نقل اخبار به کار می‌برد و می‌فرماید: «هنگامی که خبری را می‌شنوید، در آن بیاندیشید (و حقیقت محتوای آن را درک نمایید) تا آن را به کار بندید، نه تنها اندیشه برای نقل به دیگران، زیرا روایت‌کنندگان علم بسیارند و رعایت‌کنندگان آن کم»، «اعْقِلُوا الْخَبَرَ إِذَا سَمِعْتُمُوهُ عَقْلٌ رِعَايَةٌ لَأَعْقَلَ رِوَايَةً، فَإِنَّ زُورَةَ الْعِلْمِ كَثِيرٌ، وَرِعَايَتُهُ قَلِيلٌ».

تعبیر به «رعایه» در جمله بالا و «رُعاة» (جمع راعی به معنای رعایت کننده) ممکن است اشاره به دقت برای فهم حقیقت خبر و یا رعایت کردن برای عمل کردن باشد و هر دو نیز ممکن است، یعنی خبرها را بشنوید و حقیقت آن را دریابید و به آن عمل نمایید. «رعایه» در اصل به معنای نظارت ستارگان و رصد کردن حرکت‌های آن‌ها به دست ستاره‌شناسان یا چوپانی گوسفندان و مراقبت از آن‌ها است. همچنین در معنی تدبیر کارهای کشور به دست زمامداران آمده است و سپس به هرگونه مراقبت از چیزی را شامل شده و در حدیث بالا همین معنای گسترده فهم شده است.

در مسئله‌هایی که به مقام وحی یا کلمه‌های پیشوایان معصوم مربوط است، سه مرحله وجود دارد: نخست نقل روایت‌ها، سپس فهم آن‌ها و بعد از آن عمل به مفهوم و محتوای آن است. امام (ع) در گفتار بالا با تعبیر «عُقْلُ رِوَايَةٍ» گوشزد می‌کند که نه روایت به تنهایی کافی است، نه مجرد عقل و فهم آن؛ بلکه مهم پوشیدن لباس عمل است، بر آنچه فهمیده و درک کرده است. حضرت در این مرحله می‌فرماید: روایت‌کنندگان و گویندگان بسیارند، اما عمل‌کننده‌ها اندک.

اهمیت عمل به روایت‌ها به اندازه‌ای است که در بسیاری از احادیث، علم بی‌عمل همانند نادانی شمرده شده و تنها علمی شایستگی این نام را دارد که به عمل برسد، در حدیثی از امیرمؤمنان (ع) می‌خوانیم: «مَا عَلِمَ مَنْ لَمْ يَعْمَلْ بِعِلْمِهِ»، «کسی که به علمش عمل نکند، عالم نیست» (مکارم شیرازی، ۱۳۹۷).

#### ۱۴. روش برخورد با بدان (اخلاق اجتماعی) / روش تربیت گناهکاران

«وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اِزْجُرِ الْمُسِيءَ بِثَوَابِ الْمُحْسِنِ»، «و درود خدا بر او، فرمود: بدکار را با پاداش دادن به نیکوکار آزار ده!» (حکمت ۱۷۷).

جدول شماره ۱۰- داده‌های کمی

ردیف	مفهوم	فراوانی	ارزش	امتیاز
۱	تربیت	۱	۱۰	۱۰
۲	تشویق	۱	۱۰	۱۰
۳	تنبیه	۱	۱۰	۱۰

به یقین برای بازداشتن بدکاران از کار بد، راه‌های گوناگونی وجود دارد که هر کدام از آن‌ها برای بازداشتن گروهی از بدکاران مفید است. نخست اینکه بدکار را مجازات کنند که در کتاب حدود و تعزیرات اسلامی احکام گسترده آن با عنایت به سلسله مراتب آمده و در همه دنیا اینگونه مجازات‌ها



رایج است که دربردارنده زندان، جریمه مالی، مجازات بدنی و حتی مجازات روحی با سرزنش و اعلام به اجتماع است. قرآن مجید نیز درباره قصاص و حدّ دزد و حدّ زناکار و مجازات قذف اشاره‌های روشنی به این معنا دارد. نوع دوم آن است که برای بازداشتن بدکاران از کار بد، به آن‌ها نیکی کند. همان‌گونه که در آیه‌های شریفه از جمله آیه شریفه ۳۴ سوره «فصلت» می‌فرماید: «ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ»، «بدی را با نیکی دفع کن، ناگهان (خواهی دید) همان کس که میان تو و او عداوت وجود دارد، گویی دوستی گرم و مهربان است». به این ترتیب می‌توان گروهی از بدکاران را شرم‌منده کرد و از کار خود بازگرداند. راه سوم این است که نیکوکاران را تشویق کنی هنگامی که بدکاران آن را ببینند، گروهی دست از کار بد می‌کشند، به امید اینکه پاداش نیکوکاران شامل حال آن‌ها نیز بشود. این کار در همه دنیا رایج است که هر سال گروهی از برترین‌ها را در مسائل علمی، نوشتن کتاب‌های مفید، کارهای کشاورزی، دامداری، صنایع و اختراعات تشویق می‌کنند و جایزه‌های گران‌بهرانی به آن‌ها می‌دهند و نام‌شان را در رسانه‌ها اعلام می‌کنند تا باعث شود افراد سست، تنبل، بدکار و کج‌رو آن را ببینند و از کار خود پشیمان شوند و کم‌کاران نیز به کار بیشتر تشویق گردند. قرآن مجید در آیه‌های فراوانی پاداش‌های بزرگی برای مؤمنان صالح در روز قیامت بیان می‌کند، پاداش‌هایی که بالاتر از اندیشه انسان‌ها است. حتی پاداش‌های مادی دنیوی نیز برای آن‌ها در نظر گرفته است. از جمله غنیمت‌هایی که به جنگ‌جویان تخصیص داده می‌شود و احترامی که برای مجاهدان راستین در برابر فرارکنندگان از جهاد در نظر گرفته شده، مصداق‌های دیگری از این اصل کلی است.

کلام امام علی (ع) در اینجا نیز به روشنی بهره‌گیری از این روش را شرح می‌دهد. البته هر يك از این سه روش درباره گروه ویژه‌ای است و همه اینها در همه موارد پاسخ نمی‌دهند. مدیران جامعه باید بیدار باشند و افراد را به خوبی بشناسند و بدانند هر فردی یا هر گروهی را با کدام يك از این راه‌ها باید از کار بد بازدارند. ابن ابی الحدید در شرح نهج‌البلاغه خود در شرح این گفتار حکیمانه تنها به ذکر يك بیت از ابن هانی مغربی و دو بیت از ابوالعطاءیه قناعت کرده است. هنگامی که به گروهی با احسان پاداش دادی، بدکاران را از گناهشان بازداشتی. بایسته نیست که از راه‌های دوردست به مقصد برسی. می‌توانی از راه نزدیک به هدف خود برسی (مکارم شیرازی، ۱۳۹۷).

#### ۱۵. راه شاد کردن دیگران (اخلاق خانواده، اخلاقی، اجتماعی) / تربیت خانوادگی

«وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لِكُمَيْلِ بْنِ زِيَادٍ النَّحَعِيِّ يَا كُمَيْلُ مُرِّ أَهْلَكَ أَنْ يَرَوْحُوا فِي كَسْبِ الْمَكَارِمِ وَيُدَلِّجُوا فِي حَاجَةِ مَنْ هُوَ نَائِمٌ فَوَالَّذِي وَسِعَ سَمْعُهُ الْأَصْوَاتَ مَا مِنْ أَحَدٍ أَوْدَعَ قَلْبًا سُرُورًا إِلَّا وَحَلَقَ اللَّهُ لَهُ مِنْ ذَلِكَ

السُّرُورِ لُطْفًا فَإِذَا نَزَلَتْ بِهِ نَائِبَةٌ جَرَى إِلَيْهَا كَالْمَاءِ فِي انْحِدَارِهِ حَتَّى يَطْرُدَهَا عَنْهُ كَمَا تُطْرَدُ غَرِيبَةٌ الْإِبِلِ»، «و درود خدا بر او، فرمود: ای کمیل! خانواده‌ات را فرمان ده که روزها در به دست آوردن بزرگواری، و شب‌ها در رفع نیاز خفتگان بکوشند. سوگند به خدایی که همه صداها را می‌شنود، هر کس دلی را شاد کند، خداوند از آن شادی لطفی برای او قرار دهد که به هنگام مصیبت، چون آب زلالی بر او باریدن گرفته و تلخی مصیبت را بزدايد، چنان که شتر غریبه را از چراگاه دور سازند» (حکمت ۲۵۷).

جدول شماره ۱۱- داده‌های کمی

ردیف	مفهوم	فراوانی	ارزش	امتیاز
۱	شاد کردن دیگران	۳	۱۰	۳۰
۲	رفع نیاز دیگران	۱	۱۰	۱۰

امام علی (ع) در نکته نخست، برنامه زندگی را چنین تنظیم می‌فرماید که در بخشی از آن انسان باایمان باید به خودسازی و کسب فضیلت‌ها مشغول باشد، بر علم خود بیافزاید، از تجربه‌های دیگران بهره برد، ویژگی‌های برجسته انسانی را در خود پرورش دهد، رذیلت‌های اخلاقی را دور نماید و به سوی کمال انسانی سیر کند، و در بخش دیگر به دنبال حل مشکلات مردم باشد. بنابراین، کسانی که تنها به اصلاح خویش می‌پردازند و کاری برای حل مشکلات دیگران انجام نمی‌دهند، از حقیقت اسلام دور هستند. همچنین کسانی که برای انجام نیازهای مردم تلاش می‌کنند و از خود غافل هستند، آن‌ها نیز بیگانه‌اند؛ مسلمان واقعی کسی است که هم به اصلاح خویش پردازد و هم به حل مشکلات مردم توجه کند. امام (ع) در ادامه این سخن به نکته دیگری پرداخته که نکته نخست را کامل‌تر می‌کند و آن، دستور به شاد کردن دل‌های افسرده است. در اینجا امام (ع) پاداش بزرگی را برای چنین افرادی بیان می‌کند و مبنی بر اینکه این خوشحالی در قلب انسان، نه تنها در سرای دیگر به یاری انسان می‌شتابد، بلکه در همین دنیا نیز مأموریت دارد که در مشکلات، او را یاری کند و مصیبت‌ها و حادثه‌های تلخ را به شدت از او دور سازد. امام (ع) برای بیان اثرگذاری سرعت آن، به دو مثال اشاره می‌کند: نخست جریان آب در يك سراسی و دوم دور ساختن شترهای بیگانه از مرتع اختصاصی (مکارم شیرازی، ۱۳۹۷).

### ۱۶. الگوی کامل انسانیت (اخلاقی، اجتماعی، تربیتی)

«وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَانَ لِي فِيمَا مَضَى أَخٌ فِي اللَّهِ وَكَانَ يُعْظِمُهُ فِي عَيْنِي صَغُرَ الدُّنْيَا فِي عَيْنِهِ وَكَانَ خَارِجًا مِنْ سُلْطَانِ بَطْنِهِ فَلَا يَسْتَهِي مَا لَا يَجِدُ وَلَا يَكْتُرُ إِذَا وَجَدَ وَكَانَ أَكْثَرَ دَهْرِهِ صَامِتًا فَإِنْ قَالَ بَدَّ الْقَائِلِينَ وَ

نَعَّ غَلِيلَ السَّائِلِينَ. وَ كَانَ ضَعِيفًا مُسْتَضْعَفًا فَإِنْ جَاءَ الْجِدُّ فَهُوَ لَيْثٌ غَابٍ وَ صِلٌ وَادٍ لَا يُدْلِي بِحُجَّةٍ حَتَّى يَأْتِيَ قَاضِيًا. وَ كَانَ لَا يَلُومُ أَحَدًا عَلَى مَا يَجِدُ الْعُدْرَ فِي مِثْلِهِ حَتَّى يَسْمَعَ اعْتِدَارَهُ وَ كَانَ لَا يَشْكُو وَ جَعًا إِلَّا عِنْدَ بَرِّهِ وَ كَانَ يَقُولُ مَا يَفْعَلُ وَ لَا يَقُولُ مَا لَا يَفْعَلُ وَ كَانَ إِذَا غَلَبَ عَلَى الْكَلَامِ لَمْ يُغْلَبْ عَلَى السُّكُوتِ وَ كَانَ عَلَى مَا يَسْمَعُ أَحْرَصَ مِنْهُ عَلَى أَنْ يَتَكَلَّمَ وَ كَانَ إِذَا بَدَّهَهُ أَمْرَانِ يَنْظُرُ أَيُّهُمَا أَقْرَبُ إِلَى الْهَوَى فَيَخَالِفُهُ فَعَلَيْكُمْ بِهِذِهِ الْخَلَائِقِ فَالزُّمُوهَا وَ تَنَافَسُوا فِيهَا فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِيعُوهَا فَاعْلَمُوا أَنَّ أَخَذَ الْقَلِيلِ خَيْرٌ مِنْ تَرْكِ الْكَثِيرِ»، (و درود خدا بر او، فرمود: در گذشته برادری دینی داشتم که در چشم من بزرگ مقدر بود، چون دنیای حرام در چشم او بی ارزش می نمود، و از شکم بارگی دور بود، پس آنچه را نمی یافت، آرزو نمی کرد، و آنچه را می یافت، زیاده روی نداشت. در بیشتر عمرش ساکت بود، اما گاهی که لب به سخن می گشود، بر دیگر سخنوران برتری داشت، و تشنگی پرسش کنندگان را فرومی نشاند. به ظاهر ناتوان و مستضعف می نمود، اما در برخورد جدی، چونان شیر پیشه می خروشید، یا چون مار بیابانی به حرکت در می آمد. تا پیش قاضی نمی رفت، دلیلی مطرح نمی کرد، و کسی را که عذری داشت، سرزنش نمی کرد، تا آنکه عذر او را می شنید، از درد شکوه نمی کرد، مگر پس از تندرستی و بهبودی، آنچه عمل می کرد، می گفت، و بدانچه عمل نمی کرد، چیزی نمی گفت، اگر در سخن گفتن بر او پیشی می گرفتند، در سکوت مغلوب نمی گردید) (حکمت ۲۸۹).

جدول شماره ۱۲- داده های کمی

ردیف	مفهوم	فراوانی	ارزش	امتیاز
۱	پرهیز از دنیا زدگی	۵	۸	۴۰
۲	زهد	۵	۸	۴۰
۳	مردم داری	۵	۱۰	۵۰
۴	آبروداری	۳	۱۰	۳۰

این گفتار نورانی امام علی (ع)، سخن از برادری است که یازده صفت برجسته از فضیلت های مهم انسانی را دارد. نخست می فرماید: «در گذشته برادری الهی و دینی داشتم (که وصفش چنین بود)»، «كَانَ لِي فِيْمَا مَضَى أَخٌ فِي اللَّهِ». آنگاه امام (ع) یازده صفت بسیار ممتاز درباره این برادر دینی الهی بیان می کند (دشتی، ۱۳۹۰).

در جدول شماره (۱۳) داده های جداول قبلی گردآوری و محتوای آن ها همسان سازی محتوایی شده

است:

جدول شماره ۱۳- داده‌های کمی

امتیاز	ارزش	فراوانی	مفاهیم	آدرس
۲۰	۱۰	۲	اعتقاد قلبی (پرهیز از ظاهر گرایی)	حکمت ۹۸
۴۲	۷	۶	الگو داشتن (افشای ادعای دروغین معاویه)	نامه ۲۸
۱۰	۱۰	۱	تربیت عملی	حکمت ۱۷۷
۱۰	۱۰	۱	تربیت (تشویق)	حکمت ۱۷۷
۱۰	۱۰	۱	تربیت (کالادب)	حکمت ۵۴
۵۰	۱۰	۵	خوش اخلاقی و مردم‌داری	حکمت ۲۸۹
۱۰	۱۰	۱	خوش اخلاقی و مردم‌داری	حکمت ۲۸
۳۰	۱۰	۳	خوش اخلاقی و مردم‌داری (آبروداری)	حکمت ۲۸۹
۱۰	۱۰	۱	خوش اخلاقی و مردم‌داری (حفظ دوستی)	حکمت ۶۵
۲۰	۱۰	۲	خوش اخلاقی و مردم‌داری (دوست‌یابی)	حکمت ۱۲
۳۰	۱۰	۳	خوش اخلاقی و مردم‌داری (رفتار عاقلانه)	حکمت ۳۸
۲۰	۱۰	۲	خوش اخلاقی و مردم‌داری (رفتار عاقلانه)	حکمت ۵۴
۱۰	۱۰	۱	خوش اخلاقی و مردم‌داری (رفع نیاز دیگران)	حکمت ۲۵۷
۳۰	۱۰	۳	خوش اخلاقی و مردم‌داری (شاد کردن دیگران)	حکمت ۲۵۷
۱۰	۱۰	۱	خوش اخلاقی و مردم‌داری (غرور)	حکمت ۳۸
۱۰	۱۰	۱	خوش اخلاقی و مردم‌داری (کالمشاوره)	حکمت ۵۴
۴۰	۸	۵	زهد	حکمت ۲۸۹
۴۰	۸	۵	زهد (پرهیز از دنیا)	حکمت ۲۸۹
۴۵	۹	۵	شکرگزار بودن (برشمردن نعمت‌ها)	خطبه ۸۳
۱۰	۱۰	۱	صداقت (صداقت و راست‌گویی)	حکمت ۳۸
۷۷	۷	۱۱	عبرت از گذشتگان	خطبه ۸۳
۴۰	۱۰	۴	عمل‌گرایی	حکمت ۹۸
۲۰	۱۰	۲	عمل‌گرایی (دینداری)	حکمت ۸۹
۸	۸	۱	موعظه و هدایت (پند گرفتن شنیداری)	خطبه ۸۳
۸	۸	۱	موعظه و هدایت (واعظ و تربیت نفس)	حکمت ۸۹
۱۰	۱۰	۱	ادب	خطبه ۳۴
۱۰	۱۰	۱	خیرخواهی	خطبه ۳۴
۱۰	۱۰	۱	تربیت راه و رسم زندگی	خطبه ۳۴
۱۰	۱۰	۱	مبارزه با بی‌سوادی و جهل	خطبه ۳۴
۱۰	۱۰	۱	عدالت‌ورزی	خطبه ۳۴

امتیاز	ارزش	فراوانی	مفاهیم	آدرس
۱۰	۱۰	۱	وفاداری در بیعت	خطبه ۳۴
۱۰	۱۰	۱	یادگیری راه و رسم زندگی	خطبه ۳۴
۱۰	۱۰	۱	فرمان برداری	خطبه ۳۴
۱۰	۱۰	۱	اطاعت پذیری	خطبه ۳۴
۱۰	۱۰	۱	وفاداری به پیمانها	خطبه ۳۴
۱۰	۱۰	۱	اجابت دعوت های ولی	خطبه ۳۴
۴۵	۹	۵	برشمردن نعمت ها	خطبه ۸۳
۸۸	۸	۱۱	عبرت از گذشتگان	خطبه ۸۳
۷	۷	۱	پند گرفتن شنیداری	خطبه ۸۳

### ۱۷. نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر برجسته کردن دانش اجتماعی برای جامعه دانشگاهی با رویکرد دینی به ویژه با پشتوانه معارف شیعی است تا اهمیت تربیت اجتماعی را برای جامعه مشخص کند. خانواده ها، مراکز آموزشی از مدرسه تا دانشگاه و رسانه های اجتماعی از مسجد و منبر تا رادیو و تلویزیون، به ویژه در حوزه های مجازی اجتماعی، به تربیت اجتماعی اهمیت داده و در راه عمومی سازی و نهادینه کردن جامعه پذیری و اجتماعی شدن، تلاش های بیشتری را داشته باشند. انجام چنین مهمی نیاز به مدل و الگوهای عملیاتی دارد و یکی از منابع بی بدیل در حوزه تربیت، به ویژه تربیت اجتماعی دینی، نهج البلاغه است که بیش از پیش باید منبع مراجعه اهل تحقیق و بکارگیری برای گروه های مرجع تربیتی باشد.

در راستای دسترسی به هدف پژوهش، خطبه ها، نامه ها و حکمت هایی از نهج البلاغه انتخاب شدند. در گام نخست مطالعه، مفاهیم مرتبط با تربیت اجتماعی شناسایی و تحلیل شدند، سپس این مفاهیم در ارتباط با یکدیگر قرار داده شده و ادبیاتی مهم از این دیدگاه شناسایی و به گونه ای نظام مند تحلیل کیفی شدند. انجام چنین پژوهشی می تواند زمینه مطالعه های علمی دقیق تری را از منظر تربیت اجتماعی باشد.

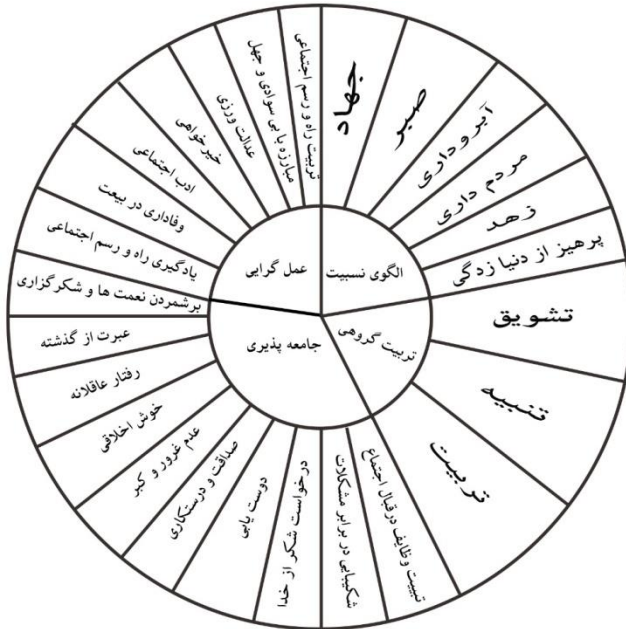
خودسازی به عنوان پیش نیاز دگرسازی و جامعه سازی است و تربیت اجتماعی پیش از آنکه شکل بگیرد، باید تربیت دهنده های فردی و اجتماعی، خود مصداق های تربیت اجتماعی باشند و ترکیه را مبنای تعلیم و تربیت قرار دهند. تربیت اجتماعی به عنوان امری نظری و عملی است، بدین معنا که تربیت نظری صرف، اثرگذاری اندکی دارد، برای ارائه تربیت عملی، امر اجتماعی شدن نیاز به نظام های مرجع در سطح فردی و اجتماعی دارد. بایسته موفقیت در تربیت اجتماعی، عمل گرایی است.

برای اثرگذار بودن در حوزه‌های تربیت اجتماعی، خوش‌رویی، خوش اخلاقی و جذابیت‌های تعاملی از بایسته‌های چنین امری است. تربیت اجتماعی توسط افراد، نهادها و نظام‌های اجتماعی، به جذابیت نیاز دارد. مداومت در بیان و اجرای تربیت اجتماعی، به نهادینه‌سازی و مانایی امر تربیت اجتماعی اثر بی‌بدیلی دارد و رها ساختن جامعه هدف، به تربیت اجتماعی آسیب می‌زند.

صداقت در بیان و عمل تربیت‌گذاران، به جذب جامعه هدف و اثرگذاری در تربیت، اثر بی‌مانندی دارد. عبرت از تجربه‌های ناموفق و اصرار بر تجربه‌های موفق در حوزه تربیت اجتماعی، به افزایش تربیت درست و کاهش تربیت نادرست کمک می‌کند. محبت و مدارا با تربیت‌پذیران و جامعه‌پذیران، به تکریم جامعه هدف منجر شده و انگیزه‌های جامعه‌پذیران را افزایش می‌دهد.

مجاهدت مداوم و مستمر در راه تربیت اجتماعی، به نفوذ و گسترش فرهنگ تلاش و مجاهدت می‌انجامد و جامعه‌پذیران را جهادی به بار می‌آورد. با توجه به تحلیل کمی و کیفی صورت گرفته از مولفه‌های مطرح شده در نهج‌البلاغه، با نگاهی تربیتی، شاخصه‌های مورد نظر احصاء شده که به ترتیب اثرگذاری و امتیاز بدست آمده به این شرح است: خوش اخلاقی و مردم‌داری، عمل‌گرایی، تربیت عملی، زهد به عنوان رفتاری آموزشی (دوری از دنیا)، اعتقاد قلبی، آخرت‌گرایی، الگو داشتن، جهاد در همه جهات اخلاقی و...، صبر و بردباری، عبرت از گذشتگان، اتکاء به خداوند، موعظه و محبت، تعلیم برای یادگیری اجتماعی، محاسبه و مراقبه برای یادگیری، خدا ترسی، شکرگزار بودن، صداقت، ادب، خیرخواهی، تربیت راه و رسم زندگی، مبارزه با بی‌سوادی و جهل، عدالت‌ورزی، وفاداری در بیعت، یادگیری راه و رسم زندگی، فرمان‌برداری، اطاعت‌پذیری، وفاداری به پیمان‌ها، اجابت دعوت‌های ولی، برشمردن نعمت‌ها، عبرت از گذشتگان، پند گرفتن شنیداری.

با توجه به مباحث مطرح شده می‌توان نتیجه گرفت که هر نظام تربیتی نیازمند مبانی، اصول، اهداف و روش‌های تربیتی می‌باشد. لذا، یکی از گام‌های اساسی در نظام تعلیم و تربیت، تعیین روش‌های تربیتی آن است. این امر با توجه به ارزش‌های دینی حاکم بر جامعه ما ضرورت دو چندان می‌یابد. روش‌های تربیتی می‌بایست مبتنی بر آموزه‌های اسلامی و منابع بسیار غنی آن باشد. برای تحقق این امر فرمایشات و سیره امیرمؤمنان علی (ع) در نهج‌البلاغه که سرچشمه وحی دارد، یکی از منابع غنی اسلامی می‌باشد و در نظام تربیتی اسلام، جایگاه ویژه‌ای دارد و غنی‌بخش تعلیم و تربیت اسلامی ما می‌باشد که می‌تواند نظام تربیتی ما را در ارائه روش‌های تعلیم و تربیت اسلامی یاری نماید. در ادامه مدل نهایی بدست آمده ارائه می‌شود.



نمودار شماره ۱- مفاهیم کمی

## — منابع —

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

- ابن ابی الحدید، ع. (۱۳۹۳). ترجمه شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید المعتزلی. ترجمه غلامرضا لایقی. قم: انتشارات کتاب نیستان.
- ابوطالبی، م. (۱۳۸۶). تربیت دینی از دیدگاه امام علی (ع). قم: مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- اسلامی، ا.؛ احمدآبادی ارانی، ن.؛ محمدی، آ.؛ رشیدی، ح. (۱۳۹۷). اهداف تربیت اجتماعی از منظر سه رویکرد جامعه‌شناختی کلان‌نگر، خردنگر و تلفیقی. اندیشه‌های نوین تربیتی، ۱۴(۵۰)، ص ۱۶۴-۱۲۵.
- باهنر، م.ج. (۱۳۶۱). معارف اسلامی. تهران: دفتر نشر و فرهنگ اسلامی.
- بنائی، م.؛ ضامنی، ف.؛ رسولی، س.ع. (۱۳۹۹). شناسایی تاثیر ابعاد تربیت اجتماعی مبتنی بر مبانی فلسفی از منظر قرآن و عترت بر پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی دانش‌آموزان. سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت، ۴، ص ۳۶-۴۵.
- جان نثاری، ح.ع.؛ واعظی، س.ح. (۱۳۹۶). جایگاه اخلاق در تربیت اجتماعی از نظر قرآن کریم. پژوهش دینی، ۱۷(۳۵)، ص ۸۳-۶۷.
- خمینی، س.ر. (۱۳۹۹). صحیفه نوره تهران: عروج، ج ۴.
- دشتی، م. (۱۳۹۰). شرح و تفسیر آموزشی نهج البلاغه. قم: موسسه تحقیقاتی امیرالمومنین (ع).
- شجاعی، م.؛ باطنی، س.؛ حسینی نیک، س.م. (۱۴۰۱). اصول و روش‌های تربیت اجتماعی و دینی از منظر قرآن کریم. روانشناسی اجتماعی، قابل دسترس در:  
[https://psychology.ahvaz.iau.ir/article\\_690837.html?lang=fa](https://psychology.ahvaz.iau.ir/article_690837.html?lang=fa)
- شیروانی شیر، ع.؛ عسگری، ز. (۱۴۰۰). بررسی تربیت اجتماعی از نظر معلمان و مبانی نظری تحول بنیادین در جمهوری اسلامی. اسلام و علوم اجتماعی، ۳(۲۶)، ص ۳۷۵-۳۵۳.
- مجلسی، م.ب. (۱۴۰۳). بحار الانوار. بیروت: انتشارات دار احیاء التراث العربی، ج ۶۸.
- محمدیان، م. (۱۳۹۵). جاودانه تاریخ. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۷). مجموعه آثار. تهران: انتشارات صدرا، ج ۲۲.
- مکارم شیرازی، ن. (۱۳۹۷). پیام امام امیرالمومنین: شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه. قم: انتشارات امام علی بن ابیطالب (ع).